



زبان فارسی؛ قلب فرهنگی جهان

محمد جعفر محمدزاده تاکید دارد ایران فرهنگی قلمرویی است فراتر از مرز جغرافیا و مربوط به حوزه تولید معنا و محتوا با زبان فارسی می‌شود



باين حال تا به امروز چند را آثار او ترجمه نداده اند تا قابل خواندن باشند. امروز مردم عادی اروپا-توانی خواندن آثار شکسپیر به خط اصلی خود را ندانند برای این که این زبان دیگرگوی های زیادی داشته است. اماماً به مدد متابع مکتب فراوانی که داریم و به بدد زبانی که از استحکام و ساختار کاملی که برخوردار است می توانیم منابعی که هزار سال عمر دارد را بخوانیم. این متابع را وقتی به ارزش آن پی می ببریم که امروز هم حرف هایی برای کفتن دارند. یکی دو مثال از شاهنامه فردوسی نمایم که این متابع امداده است که «ز بد کردن اد به حاصل زیان / اگر بد کنی هم بري از جهان / آید در جهان امروز کسی هست ماقشهاه روی این حرف داشته باشد!» امروز همان چیزی است که امروز در میان مردمان معروف شده به گزاره ازدهای «که این همان چیزی است که امروز در میان مردمان معروف شده به کارما ن نظام چزا و پادشاه عالم. اینها همه اندیشه هایی است که اگر به زبان امروز برای جهانیان ترجمه و معرفی شود، می تواند برای دنیا حرف های زیادی داشته باشد.

از راه ترجمه و بازآفرینی این مفاهیم برای مردمان امروز باید چگونه باشد؟

اوین راه حل این است که باید از استحکام و پایایدار این زبان حفاظت شود یعنی بیچارگی کاری نیاید که این زبان ضعیف شود. چون تضییع این زبان تضعیف قدرت ملی ماست، قدرت ملی و فرهنگی ما در این زبان نهفته است و زبان فارسی برخلاف بسیاری از زبان های دنیا فقط زبان نیست. زبان فارسی زبان فرهنگ و دانشواری است و زبان علم و علوم انسانی است. وقی ادبیات فارسی را مطالعه کنیم فقط برای این نیست که بدانیم فعل و فعل کجاست و ما در ادبیات فارسی برخلاف بسیاری از زبان های از علم انسانی را می توانیم پیدا کنیم. این زبان اگر آسیب بینید ۵ سال دیگر گویش و زبان این چگونه می توانند شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ و سعدی بخوانند؟ چون این زبان مهم ترین مؤلفه و پیوندهاین هویت فرهنگی ایرانیان بوده و باعث انجام فرهنگی ایرانیان شده است. در قدم بعد ما باید این زبان را تولید محتواهایی که مازن تمام و بیرونی را بخواهد. چنانچه باشندگان که زبان را در جهان ترجمه کنند باید این هر کجا در جهان بخواهد راجع به عروان صحبت کند تاکنیز است که به مولوی عطاوار... مراععه کند. این ارجاع در علوم دیگر کم باید به وجود باید، یعنی زبان دانشواره تبدیل شود و بتواند در جهان چای خود را باز کند. البته نظرور است صرفا ترجمه کتب فارسی نیست که آن هم در جای خود باید ادامه شود. اما مهم این است که دیگران باید مراجعت کنند به زبان ما، کاری که کرسیستن سن دانمارکی و هنری ماسه، ادوارد براون و کسان دیگر کردند. یعنی برای این که به نکات نهفته در ادبیات ایران زمن دست بیندازند زبان فارسی را آموختند؛ مثل نیکللسون که شرحی بر مشنوی می نویسد، مثل ماری شیمل که مولوی شناس بزرگ است. بنابراین تلاش ما باید که با ایجاد ستر مناسب برای تولید محتواهای فاخر ادی، این زبان را در جهان ترویج دهیم که دیگران به دنبال آن بایند. بخش دیگر از این کار هم این است که مازن فارسی را به دون جوامع دیگر ببریم و این زبان را ترجمه کنیم و لبته آن هم باید برای راغب کردن افراد به خواندن زبان فارسی باشد.



وقتی ادبیات فارسی را مطالعه من کنیم فقط که بدانیم فعل و فعل کجاست و ما در ادبیات فارسی از علم انسانی را می توانیم پیدا کنیم

برینیان پرداخت. گفته ها و ناگفته ها تحملی از گزارش عملیات پنهانی سیادر کوتاه ترایی مرداد ۱۳۲۲، هیا به برس هیچ: «ماله مستعار برسی اسناد و از خارجه برینیان درباره مالکت جایز شد. اینها بیشتر با مباحث حقوق بین الملل به اندگستان رفت و مطالعات خود را زیر نظر پروفسور جینینگ در داشگاه کمبریج و پروفسور شوارنزبرگ در لندن اداماد. همچین در این دوران با ایران شناسانی همچون آنور آریز، ولادیمیر میتوسکی و لاکارت اینشون بو و به بروش روی نسخه های خط موجود در موزه

مودود پژشکیان، رئیس پژوهشگر روز جمعه در دوین روز از هفته علوم سیاسی داشگاه تهران به پایان رسانده، در سال ۱۳۲۸ برای اسلامی با حضور در منزل استاد محمدعلی موحدیان شاعر، نویسنده، عزیز پژوه و از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی دیدار و گفت و گو کرد. استاد محمدعلی موحد از بزرگان ادبیات فارسی و حقوق بین الملل است که در بیان پیش از یکصد ساله خود در حوزه های مختلف اثار گرانشی به جای گذاشته است.

**دیدار رئیس جمهور
با محمدعلی موحد**



لیکی از اعزام هایی که در چند سال اخیر زیاد شدیده می شود ایران فرهنگی

است، اما همین وازه تقسیمات مختلفی دارد که گسترده آن از مزه های جغرافیایی و حتی زبان فرهنگی هم عمومی کنند. در این باره توضیح دهد:

من برای ایران به عنوان کشوری که امروز آن رامی نشانیم چهار مرز قائل هستم؛

یک مرز جغرافی ایسپانی امروز ایران با مرزهای شناخته شده است. دوم مرز ایران

کهنه است که در دوره های مخمنشان برمی گردد که از شمال آفریقا تا شرق ایران

بخش هایی از اروپا و حتی تا پیش از ایشمال چین گسترش دارد. سوم مرز

زبان فارسی است که با تالیف اثاثی از ایران شناخته شده است. چهارم و پنجم

چه به عنوان زبان فرهنگ و داشتوري و چه در کشورهایی که این زبان به عنوان زبان

علم شناخته می شد. قلمرو گسترده ای داشته که اصطلاح مقایسه با مرزونیست.

فقط یک بخش از آن شامل شب قاهره هند بوده بعینی از شمال چین و کل شبه قاره

هند و ایران کوئی و سرزمین های اطراف خلیج فارس و آناتولی تا

بالکان که قاب اروپا با این قلمرو سرزمینی زبان فارسی بوده که در

این سرزمین های زبان ایرانی از زبان مادری مردم حساب می شده

با زبان علم و فرهنگ حساب می شده با زبان رسمی آن سرزمین

بوده است.

مرز فرهنگی که مطروح شده در محدوده ندارد و بحث

ایران که توئین دو حرف است / با دوستان می رود. در میان این افراد

نمی توئین کو گوییم که مثلا چقدر وسعت داشته است. به عنوان

مثال در این جغرافی ای از فرهنگی ما اشخاصی که به گونه ای تعلق

به ایران دارند پادشاه ایران از میلان چین گسترش دارد. سوم مرز

نوروز که جشنی ایرانی است که از زبان فارسی که از میلان

ایالت های آمریکا، کانادا، مغولستان و هندوستان این چشم برا

می شود و در بعضی از کشورهایم یک تعطیل رسمی است مثلا در

کشور عراق از سال گذشته نوروز به عنوان یک جشن ملی بنت شده

است. علاوه بر نوروز که جشن است وقتی به قلمرو فرهنگی مانند مولانا

نگاه می کیم یک طرفین قلمرو به مولوی شناسنامه مانند آن ماری شیمل.

مولوی شناسنامه می رسد. در طرف دیگر قوبنه، مدفع و محل سکونت این

عارف شاعر و بلح محل نوله این شخصیت است و نفوذ فرهنگی مولانا را وقی

دنبال کنید تا از این شخصیت می بینیم که از جمله این جمیع

کنیم شاهد تأثیری ای از این افراد را داریم. در کشورهای مختلفی از جمله ایران

ادبیات جهان از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد

کوییم از این افراد را داریم. این افراد از این افراد